

مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام  
صاحب امتیاز روزنامه هفتگی  
و یومیه (جبل المتین)  
(عنوان مراسلات)  
طهران خیابان لاله زار  
نام مدیر میرزا سید حسن کاشانی  
دبیر آقا شیخ یحیی کاشانی  
غیر از روزهای جمعه همه روزه  
طبع و توزیع میشود

یومیه

# جبل المتین

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالانه

طهران ۴۰ فران  
سایر بلاد داخله ۴۵ فران  
روسیه و قفقاز ۱۰ منات  
سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک  
(قیمت يك نسخه)  
در طهران يكصد دینار  
سایر بلاد ایران سه هاهی است

قیمت اعلان مطری

دو فران است

روزنامه یومیه ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه

بامضا قبول و درانتشار اداره آزاد است

دوشنبه ۱۱ جمادی الاخری ۱۳۲۵ هجری قمری و ۳ مرداد ماه جلالی ۸۲۹ و ۲۲ ژویه ۱۹۰۷ میلادی

( رفع زحمت از مقدسین دلسوز )

پس از آنکه الطاف غیبی و عنایات لاریبی شامل حال ملت بخت برگشته ایران شد و کوکب طالع ایرانیان از افق اقبال طلوع کرد شوری در افراد ملت افتاد و خروشی از هر یک بلند شد فهمیدند که آنها هم دارای شئون آدمیت و صاحب حقوق انسانیند بدون جهت معین کسیرا بر کسی حقی نیست و فضیلتی ندارد اجتماع کرده استمداد حقوق مقصوبه خود را خواستند از تالیفات امام عصر و بمضمون ید الله مع الجماعة بدست قدرت حق مجلس شوری ملی برپا کردند و اساس سلطنترا برای استقلال قدرت سلطنت و حفظ شرف و قوام دودمان رفیع بنیان و اسایش رعیت ایران بر بنیان محکم مشروطیت نهادند تا در بناهش این چند روزه عمر روی آسایشی به یسند دستخوش بیگانگان و خوار جهانیان نکردند اعلیحضرت شهریار که مامول ایشانرا با مقاصد عالیه خویش مطاق دید متمنیات ایشانرا پذیرفته و معمول فرمودند گفتند خوب عد نهایت خوشبختی روی داد شام فراق مذلت سرآمد و صبح وصال سعادت دید رسید مرده که ایام غم نخواهد ماند روزگار تلختر از زهر شیرین تر از شکر شد اعلیحضرت سلطان خیر خواه و ملت باهم همراه خیال راحت شد بفر ترقی باید افتاد و بجای رسید ولی هنوز قدمی بر نداشته دیدند جمعی از کرکان مردم خوار و نامردان بد کردار که شعله چراغشان از آه بیوه زنان و خورش خوانشان از خون دل یتیمان است این اساس را مانع خیالات خود دیده اند و فهمیده

اند که اگر کار بدین ترتیب پیش رود باید ایشان در تاریکی نشینند و از گرسنگی بمیرند ناچا بچاره جوئی شدند در عدم اجرای مقاصد ملت اسباب چینی ها کردند و علتها فراهم آوردند که این بنارا برهم زنند بمشورت خویش اغتشاش داخل و خازجرا برپا کردند که شاید مجلس شوری را تعطیل نمایند ولی هر صغری و کبری که چیدند نتیجه را بر عکس مقصود دیدند  
شیراز را برهم زدند شیرازه مجلس محکم تر شد مخالفین عراقرا بشور انداختند عرق همایون وطن پرستان منصور را حرکت دادند برادران آذربایجانی را شهید کرده بخون کشیدند ملت مشروطیت را بجان خریدند رشت و انزلی را بمشوش طلبیدند مجلس شوری را بیفل و غش دیدند کرمانشاهرا مخوف داشتند شاهرا با رعیت رؤف ساختند مختصر نمادند کاریکه استبدادیان نکردند ولی از هر جا که سر در آوردند بسر پوزه شان زدند سرگردان ماندند حال فکری کرده مگری بخاطرشان رسیده به نیرنگهای بیمزه رنگی تازه ریخته اند و عفریته استبدادرا بغازه خوشگل مینمایند این تیر آخریست که در ترکش مانده خاطر جمع باشید نوك ندارد داشته باشد هم کارگر بجائی نیست تیر زنده کیست نمیدانم تیر چیست ؟ چند نفر از شکم پرستان اتباع کل ناعق را که صدر و ذیل نشین مجالس ظالمین اند و قوت جانشان ارفضله خوان مستبدین است برانگیخته اند که مردم بکمان اینکه الظاهر عنوان الباطن کول صورت این شیاطین السی را خورده و بخرمها تیکه فی الجمله صورت ظاهری دارد چاهرا عوض راه بنمایند و مردم عوامرا باعقباه افکنند غافل از اینکه مردم عوام تمام از

حواص شده و ایشانرا  
اینها همانند که برای  
دستمالی قیسریه را  
مقدس و دلسوزی درو  
نخواهند خورد و تم  
حاکم که عصمت  
غارت کرده و بضر  
گرفته بار میکرد بطهران  
از شیرمادر حلالتر چرا  
مگر اسلام تازه پیدا  
معاوم میشود این اسلام  
مخصوص بشماست که  
نه اسلام محمد بن عبدالله  
هیچ جاری نمیشد امر  
برای همین کار است  
بعضی گریه بحال خود میکنند  
دنیویه و نظم مملکت و  
که صلاح حل و مقتضی  
قوم را منتخب می کنیم  
چهار روز مرار گذاشتند  
پیروی کنیم امام در مس  
مجتهد مبسوط الید اعلا  
می کشیم لازم بدلسوز  
وکیل تعیین کردیم که  
تراند این قبیل و قاتل و لاط  
با آنها بگوئید هر چه گفته  
همانند که بول بجور  
وباسم مجبور المالك  
حال آنکه صاحبانش تم  
بر ظلم می کنید و اس  
عصمت حجج اسلامی  
اغاثه ملت بجان و دل  
بیالائید و خود را نوع  
پاك ( کیرم ) مارچوبه کند  
و کو مهره بهر دوست  
ساعت بیش از ۸ ساعت  
شبهانه روز میخواهد باز  
ملت همین مثل را دارد  
بر خواسته اند لاف اقل بای  
باشند بخود زحمت مده  
بخوان خواهند رفت  
هر د نیوا ورید چرا نم

حواس شده و ایشانرا می شناسند که یروی المجرمون بسیماهم  
 اینها همانند که برای کوبیده شکر برآ بچاه افکنند و بجهت  
 دستمالی قیصریه را آتش می زنند بدست اویزی شرع  
 مقدس و دلسوزی دروغی ایشان باسلام و وطن فریب  
 نخواهند خورد و تمام آکاهند چرا و آنچه که فلان  
 حاکم که عصمت مسلمانانرا بر باد داده و اموالشانرا  
 غارت کرده و بضرب داغ و درفش از رعیت فقریول  
 گرفته بار میکرد بطهران می آورد تو حق نظر از ان وجوه  
 از شیر مادر حلالتر چرا میگردنی و اورا مقرب الحسین می گفتی  
 مگر اسلام تازه پیدا شده چرا امروز سکوت میگردید  
 معاموم میشود این اسلامی که بحالش کربیه می کنید  
 مخصوص بشماست که از دست میروند و شما پیدا کرده اید  
 نه اسلام محمد بن عبدالله ۱۲ چرا که تا امروز احکام اسلام  
 هیچ جاری نمیشد امروز اول کار است و وضع مجلس  
 برای همین کار است چون آن اسلام با مسلمانای منافست  
 بعضی گریه بحال خود میکنند علاوه بر این مسادر امور معاش  
 دنیوی و نظم مملکت و اسایش رعیت مقلد نیستیم هر قسم  
 که صلاح حل و قضاوتی وقت است باید عمل کنیم عقلای  
 قوم را منتخب می کنیم که تا آنچه را که در انظمن امور  
 چه بود فرار گذاشتند مجری شود و آنچه صلاح دیدند  
 پیروی کنیم اما در مسائل شرعی و تکالیف دینه هر چه  
 مجتهد مبسوط الید اعلم حکم فرمود بجان و دل اطاعت  
 می کنیم لازم بدلسوزی نیست از این گذشته ما ملت  
 وکیل تمیز کردیم که دیگر هر رس هر روز ما را بطرفی  
 نراند این قبیل و قال و لاطناترا نشویم هر حرفی که دارید  
 با انها بگوئید هر چه گفتند ما همانرا جو هیج کرد شما  
 همانند که بول بجور گرفته ظالمینرا از ایشن میگردید  
 و باسم مجبور المالك خرج پارك و عمارت می کنید و  
 حال آنکه صاحبانش تمام معین اند رشوه گرفته اعبات  
 بر ظلم می کنید و اسمش را رد مقلالم میگذارید و دامن  
 عصمت حجج اسلامی که ترك مشتمیات نفس گفته و در  
 ااثان ملت بجان و دل میکوشند میخواهید بحیالات خویش  
 بیالائید و خود را نوع انها بشمارید چه نسبت حاکرا با علم  
 پاك ( کیرم که مار چوبه کند تن بشکل مار ، کور هر بهر دشمن  
 و کو مهره بهر دوست ) اقبان آدمی در شبانه روز ۲۴  
 ساعت بیش از ۸ ساعت نمیخوابد شما فرض کنید نصف  
 شبانه روز میخوابد باز نصفه دیگر را بیدار است حال  
 ملت همین مثل را دارد از خواب غفلت سه منزل سانه  
 بر حواسته اند لا اقل باید سه هزار سال بیداری داشته  
 باشند بخود زحمت مدهید و لا لا مگوئید که دیگر  
 بخواب نخواهند رفت خود را خسته نکنید و سر  
 هر د نیا ورید چرا نمیگذارید که ساچ داغ را از

روی سینه ضعیف عربان بردارند مگر این زن خواهر  
 من و شما نیست جناب اما چرا نمیگذارید که چوب  
 در استین مسلمانان بکنند و بدار بکشند مگر برادر ما و  
 شما نیستند چرا نمیگذارید ماوریکه بگرفتن سی تومان  
 بقیه مالیات می رود سیصد تومان مال رعیترا بچاپند چرا  
 نمیگذارید که بواسطه بیقانونی ماور حکومت و دردهات  
 هر شب عرق و حریف بمل خواب شب نخواهد چرا  
 نمیگذارید حقوق سرباز بیچاره و سوار را نخورند و انها  
 را از ناچاری بحملی و دردی وا ندارند چرا نمیگذارید  
 هفتصد کوفتند رعیت را فراش عفا گرفته بهفتاد  
 تومان فقر و شد تا کسی می پستند یا لان  
 الاغرا بر روی مسلمانان بگذارند و بکفر سخ سوار شوند  
 آقای مسلمان تو تا عمر کرده در درشکه دو کرو که  
 نشسته و در تالار سه اشکوبه خوابیده مگر مردم دیگر  
 مسلمان نیستند و از دنیا هزار يك شما هم حق ندارند  
 که باید باین سختیها گذران کنند و هر سال کرور کرور  
 بیچاره فرار نمایند کرا زحاشان نشانیه می دروغ میکوشی  
 و اگر خبرداری این چه مسلمانی است که ادعا می کنی  
 حضرت امیر میفرمایند چگونه علی سیر بخوابد و در  
 اطراف یمن و حجاز مردمان کرسه شاید باشند تو هر  
 شب مرغ یاو را بل کن و بگو این مسلمانم و بر  
 اسلام هم گریه کن باشد حساب ما و شما سر بل صراط  
 ( که مسلمانان این است که .... دارد )

( وی ا کر از بی امروز بود فردائی )  
 ( میرزا حسن نامی )

— ( اخبار شهری ) —

شاهزاده سالار الدوله بعد از ورود طهران بخانه  
 وزیر داخله رفته بناهنده شد است مگر بوسیله توسط رف  
 و کمه و مجازات را بنمایند  
 نور الدوله مادر سالار نیز سه روز است که بخانه  
 حجة الاسلام آقای آقا سید عبد الله رفته و برای نجات  
 فرزند خود متوسل باقا شده است و نیز محمدرضا میرزا  
 پسر سالار الدوله که طفل صغیر است با دوسه نفر  
 خدام و لله منزل حجة الاسلام آقای آقا میر سید محمد  
 مجتهد پناه برده تا جد چه شود  
 شب نامهاییکه متاقتین و مفسدین منتشر کرده اند  
 حقیقت مسئله را که ما در چندی قبل در ذیل عنوان  
 ( کشف اخبار سری ) نوشتیم بخوبی آشکار کرد بلی از  
 روزیکه سید محمد یزدی قدم باین شهر گذاشت ما دانستیم  
 که فساد زیاد از اثر این وجود نامبارک بروز خواهد  
 کرد زیرا تا کسیکه بقتل نفس اقدام کند و فتنه های بسیار  
 در هر بلد تولید نماید و مدتی بجزاء سوق کردار محبوب

که  
 دن  
 رک  
 طه  
 بل  
 ت  
 ی  
 و  
 ب  
 ت  
 م  
 ال  
 ی  
 ی  
 ا  
 ع

هود و از عنایات عالیات و تبریز اخراج شود در این موع که محرک موجود و اسباب فساد کاملاً مریا است چه خواهد نمود —

ولی هیبت که دیگر مردم گول این مزخرفات را خورده باین کلمات واهی دست از مشروطیت بردارند در دست هر کس از این اوراق ضاله را مشاهده نمایند اورا مقصر و گناهکار می شمارند چنانکه دسته از آنها را در دست میرزا آقا خادم مسجد شاه گرفته اوراق را سوزانیده و خودش را نیز در خانه حضرت امام جمعه برده استنطاق کرده اند مشار الیه گفته است شیخ محمد خورده فروش بمن داد و فعلاً شیخ محمد مزبور نا پدید است — اوها در روز گذشته شنیده شد که مجلسی فوق العاده از وزراء و وکلاء در خصوص بانک شرقی آلمان منعقد نموده بعد از مذاکرات زیاد دادن هیچ نوع امتیاز را بدو صلاح ندیده اند و نیز ضمانت وصول وجوهات اورا در صورت اعلان مدیون قبول نکرده اند مشائیه بانک ملی نیز جدا در تحت مذکور است و فعلاً میتوان امیدوار شد که بزودی این حوشبختی با روی خواهد نمود ترتیب جشن ۱۴ جمادی الثانیه که روز اول مشروطیت است نیز داده شده و اوراق دعوت نیز طبع شده و مشغول آرزین بندی هستند — حاجی شیخ فضل الله در روز جمعه بمنبر رفقه صریح گفته تا صد هزار نفس کشته نشود ممکن نیست من دست بردارم خداوند رحمی بدل ایشان بیفکند که بانای نفوس محترمه راضی نشود —

تویجیان هنوز متحصن و در اطراف خانه وزیر داخله متوقف اند — چند شب قبل يك نارنجك در دالان خانه وزیر مخصوص اسداخته اند ولی محترق نشده است چند نظراً بتهمت گرفته بعد از تحقیق مرخص نموده اند —

### تقاریظ

روز نامه مبارکه ( تازه حیات ) بطور یومیه در شهر بادکوبه طبع میرسد اوراق یومیه ان معادل است با چهار برابر اوراق ما و مشتمل است بر مقالات مفیده و واهی و اخبار داخله و خارجه و تلکرافات و مکاتیب نامه بزبان ترکی ساده و افما اگر همه جرائد ایران را با او بسنجند بعقیده بنده تازه حیات بر مجموع آنها مزیت دارد و میتوان اورا مثل یکی از جرائد یومیه اروپا دانست — مخصوصاً در خصوص اموردائر ایران داد سخن سرائی میدهد و روح مطالب را بی برده مندرج مینماید موسس این نامه نامی و جریده

اسلامی جناب حاجی زین العابدین تقی او است که از فرط اشتها از توصیف مستغنی است و نگارنده چاک قلم بامغزش فاضل ادیب و دانشمند لیب هاشم بك وزیر است مجله ماهیانه حقایق منطبقه بادکوبه اثر كك درر سالك جناب آقا میرزا علی محمد خان اویسی مجله است علمی ادبی سیاسی تاریخی که تاکنون مجله باین نظرات و حوش سلیقه گی و حسن اسلوب بزبان فارسی نوشته شده دارای مهمات مطالب تاریخی و تصاویر پاکیزه و ادبیات نامه ارباب ذوق را مطلقه این فرخنده نامه بوجود آورد و زنك از دل بزاید تاکنون دومره آن بازاره رسیده و چشم و دل مارا روشن کرده از خداوند دام ان و توفیق نگارنده محترمش را خواهیم —

روزنامه غراء ( اتحاد ) از تراوش قلم نرنگ دانشمند با فرهنگ استاد سخن فاضل منتجن آقایی متمدد الاسلام رشتی که زحمات بی پایانش در راه مشروطیت مشهود خاص و عام است طهران را منور نموده و عالم مطبوعات ما را زینت بخشیده عبارتش روانتر از آب و معایش لب لباب هفته دو نمره بطبع میرسد و از اتحاد و جهات جامعه ادالیت و انسانیت و طرق ترقی و تقدم بحث مینماید هر کس اورا ببیند و نخواند مغبون است مسلکش وطنی و ملی است و مشربش تقریباً مشرب حبل المتین است خدایش پاینده بدارد — نامه گرامی ( خورشید ) نگارش جناب ادیب شیور بگانه وطن پرست آقا میرزا صادق خان تبریزی که شرح خدماتش بعالم معارف هفتاد من کاغذ لارم دارد از افق ارض اقدس مشهد طالع و تالمرا نورنایش و روشن کرده اهالی دار الحلاله را مطالعه آن نامه دلربا نهایت لازم است تا از اوضاع برادران خراسانی خود مهبوق گردند و بر کار و ارا آنها واقف شوند —

روز نامه ( حقوق ) اثر خانه عنبرین شماره نواب والاسلیمان میرزا بتازگی در طهران طبع شده و بهترین میدانی برای حقوق ملی است غرض اصلی از نشر این فرخنده نامه است که ملت را بحقوق خود آشنا سازد تا بعد از بزمانت باشند و حقوق خود را برایگان از دست ندهند جرائد دیگر نیز که هر يك ستارگان آسمان سعادت اند باچهره های خندان طالع نموده اند که اکنون از تفصیل يك يك سذرت میخوانیم مثل حقیقت و تنبیه و کستان سعادت و آینه غیب نما و تدین و غیره — صاحبان جرائد را عموماً توفیق خدمت و نیت خالص عنایت فرماید

### خلاصه مذاکرات مجلس دار الشوری

روز غنیه ۹ شهر جمادی الاخری

اظهار شد که از تشکی از مباحثین مالیات نه که سال گذشته آصف الدوله در حالیکه آصف الدوله است و گفته شد که باید بودی رای مجلس از هر کجا بخصوص هم آنچه ایضاً احسان بعد قرار نامه بانک هد بناهد آن دو ماده دی بودن لغت از طرف دولت شود در خصوص تنظیمات و عدم اقدامات وزات مالیه از تلگرافی شیخ فضل الله کرده و اظهار مخالفت وزارت داخله در این خصوص از وکلا اظهار نامساعدت و نمودند و عزل مشیر المم حال قرار شد از وزارت بخوانند و متظلمین را همراهی وزراء با مجلس الممالک که پنجاه هزار جات میداد گفته شد در هر دو اخطار شده درازا بنماید اقبال الدوله آب آند متواری شده در اینجا معلوم میشود وزرا هیچ در خصوص عزل آمد گفته شد که وزراء چنین اظهار داشتند که را در این باب رد کنند اگر مسئله قانونی باشد رد کنند ولی در مقام هیئت مجلس اظهار سلب عزل شود دیگر جای رد

### ( تلگراف )

بنا بر تلگرافی واصله اتحادیه ضد ترپاك بخدمت خواست اقدامات و مساعدت متری الیه در جواب اطمینان نموده که از انروز

اظہار شد کہ از فوجان و سایر نقاط خراسان کشکی از مباشرین مالیات نمودند کہ میگویند باید ہماقدری کہ سال گذشتہ آصف الدولہ گرفت اہمال ہم بہ بردارند درحالیکہ آصف الدولہ خیلی اجحافات و تعدیات کردہ است و گفتہ شد کہ باید بوزارت مالیہ اخطار شود مطابق رای مجلس از ہر کجا باید اخذ مالیات نماید و دراین خصوص ہم آنچه ایضاحات دارند بدہند

بعد قرار نامہ بانک المانی با شرایط مقررہ قرائت شد بناشد آن دو مادہ دیگر کہ تعیین مدت سی سال و بودن منتش از طرف دولت ملحق شدہ رای گرفتہ شود درخصوص تظلمات اہل یزد از دست مشیر الممالک وعدم اقدامات وزات مالیہ در این باب و اغتشاش یزد از تلکرافی شیخ فضل اللہ کہ بشیخ جعفر سبزواری کردہ و اظہار مخالفت او با مجلس و عدم اقدامات وزارت داخلہ دراین خصوص مذاکرہ بمیان آمد جمعی ازوکلا اظہار نامساعدت وزارت مالیہ را دراین خصوص نمودند و عزل مشیر الممالک را خواستار بودند در ہر حال قرار شد جز از وزارت مالیہ اصلاح عمل مالیہ یزد را بخواہند و مظالمین را ساکت نمایند ضمناً عدم ہمراہی وزراء با مجلس مذاکرہ شد و در خصوص نصرتہ الممالک کہ پنجہزار تومان اضافہ بر عایدات خالصہ جات میداد گفتہ شد دراین باب بوزارت مالیہ وعدلیہ ہردو اخطار شدہ درازاء این خدمت کہ خواست بدولت بنماید اقبال الدولہ آب دہ اورا قطع کردہ تمام رعایای آندہ متواری شدہ دراینجا متظلمند کسی بداد انہا نمیرسد معلوم میشود وزرا ہیچ خود شانرا مسئول نمیدانند در خصوص عزل وزارت جنگ مذاکرہ بمیان آمد گفتہ شد کہ وزراء مشغول و در کار هستند بعضی چنین اظہار داشتند کہ اگر وزراء بدلائل رای مجلس را در این باب رد کنند وکلا چہ حرفی دارند گفتہ شد اگر مسئلہ قانونی باشد میتواند بدلائل رای مجلس را رد کنند ولی در مقام عزل وزراء ہمین قدر کہ ہیئت مجلس اظہار سلب اطمینان از وزیری نماید باید عزل شود دیگر جای رد یا اظہار دلایل نیست (مجلس ختم شد)

### ( تلکرافات خارجہ )

بنا بر تلکرافی واصلہ از شانکھای ہیئت اؤبل انجمن اتحادیہ ضد تریاک بخدمت فرمانفرمای محل رسیدہ و در خواست اقدامات و مساعدت کاملہ نمودہ فرمانفرمای ممیزی الیہ در جواب اطمینان دادہ و ہشتم مادہ اورا معین نمودہ کہ از امروز قانونی کہ در خصوص

بستن سردابہای مخصوص تریاک کشی وضع شدہ جدا در تمام خاک کبلسو بموقع اجرا گذارندہ شود دیگر آنکہ مکتومی نمایندگان چین در لاہہ نوشتہ کہ از ہیئت مجلس در خسواست نماید کہ دول معظمہ دراین نیت خیر بادوات چین مساعدت لازمہ بنمایند کہ تجارت تریاک در مملکت خاقانی منسوخ و معدوم گردد

( خبر فوق العادہ ) از لندن مسیو فالیر رئیس جمہوری فرانہ امروز کہ عید ملی است حسب المممول بہ لنک شان تشریف فرما شدہ و سان قشون حاضر پاریس را دیدند در مراجعت یک نفر از میان جمعیت دو تیررولور بطرف ممزی الیہ خالی کردہ ولی خوشبختانہ آسیبی بممزی الیہ نرسیدہ مرتکب گرفتار و گمان جنون در بارہ او میروند

از لندن ویس کنت اسکی سفیر کبیر دولت ژاپون مقیم واشنگتن لایحہ صادر و منتشر نمودہ و مفادش اینکہ بین دولتین ژاپون و امریکا اہدای مادہ اختلافی و قاری وجود ندارد و تمام مقالات و مذاکرات در خصوص بروز اختلاف و جنگ بین دولتین از تسایح خیالات واهیہ و جلیلیات اشخاص است کہ ہمیشہ مایل بایجاد فتنہ و فساد اند

یک فروند دیگر از جہازات جنگی فرانہ موسوم بہ کاوا در بحر روم بوضع مکتوم حیرت انگیزی دچار حریق شدہ ولی خوش بختانہ بموقع حریق را خاموش کردہ اند در مجلس پارلمان انگلیس مستر لنج از وزیر امور خارجہ سؤال نمود در اینموقع کہ مذاکرات و مقالات بین دولتین انگلیس و روس بجمہت تعیین حقوق طرفین در مشرق زمین دایر است آیا وزیر خارجہ صلاح میداند کہ انجمن مختصری مشتمل بر عدہ از اشخاصیکہ بصیرت و اطلاع کامل از احوال ایران در ممالک مجاور آن دارند منتخب نمایند کہ اطلاعات لازمہ و صلاح اندیشی بصیرانہ خود شانرا خدمت جناب وزیر خارجہ اظہار دارند وزیر معظم لہ در جواب اشعار داشتند کہ بعقیدہ من اینمطلب چندان مطلوب نیست مع ذلک مسیو لنج وکیل محترم عقاید و اطلاعات خودرا در اینمسئلہ با کمال آزادی میتوانند بما معلوم دارد کہ در موقع مورد مذاکرہ و ملاحظہ شود

### ( اعلان )

یکباب خانہ محلہ بربری ہا لانار گذاردہ چہار صد تومان ہر بلیطی بکثومان محل فروش بلیط خیابان لالہ زار در مغازہ مسیو کیاس

دویست بلیط فروختہ شدہ

حسن الحسینی الکامانی